

## Original Article

### Comparative Comparison of the Principle of Free Social Services of Citizens of England and Iran Based on the Obligation of Human Respect

Asma Rakhshan<sup>1</sup>, Mahmoud Abbasi<sup>2\*</sup>, Ali Reza Salimi<sup>3</sup>, Seyyed Ali Reza Hosseini<sup>4</sup>, Zohreh Khani<sup>5</sup>

1. Ph.D.'s Students at Faculty of Theology, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic law, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran.
2. Associate Professor, Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences and Health Services, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Dr.abbasi@sbmu.ac.ir
3. Assistant Professor of Theology, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran.
4. Assistant Professor of Theology, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Mahallat Branch, Islamic Azad University, Mahallat, Iran.
5. Assistant Professor of Theology, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Tehran Branch, Imam Khomeini Research Center and Islamic Revolution, Tehran, Iran.

Received: 12 Aug 2018 Accepted: 28 Jan 2019

#### Abstract

Improving the quality of public service plays an important role in the welfare, the comfort and health of any society. The main goal of this research is to address the principles of free social services such as social and health care provision, respect for the privacy of individuals, personal and police security and the freedom to work and housing. This article addresses Iran and the other two countries, based on the legal rules and jurisprudential law, the necessity of human reverence and justice. In this regard, it has identified and defined the concepts and criteria of social services in both countries. The findings of this study show that in Iranian law, free public social services include educational services and partly social insurance, which is semi-free. In English law, Health care and health insurance are free and semi-free and for some special people they have been using it and provided the services free of charge. These services can be provided by the government and local institutions as well as by the private sector. The basic laws of both countries on the basic rights of public services for citizens and the duties of the government have an almost equal emphasis. But the recognition of these rights in the basic laws does not constitute the availability of these rights to all individuals in personal security and the prohibition of torture, the fact that it is recognized at any time whether there is torture or whether the rules are respected or not, should look at the output of governments.

**Keywords:** Comparative Comparison; Social Service; Principle of Being Free; Principle of Human Reverence; Constitution; English Law

**Please cite this article as:** Rakhshan A, Abbasi M, Salimi AR, Hosseini SAR. Comparative Comparison of the Principle of Free Social Services of Citizens of England and Iran Based on the Obligation of Human Respect. *Bioethics Journal*, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 7-23.

## مقایسه تطبیقی اصل رایگان بودن خدمات اجتماعی شهروندان انگلیس و ایران با استناد به قاعده وجوب تکریم انسان

اسماء رخشان<sup>۱</sup>، محمود عباسی<sup>۲\*</sup>، علیرضا سلیمی<sup>۳</sup>، سیدعلیرضا حسینی<sup>۴</sup>، زهره خانی<sup>۵</sup>

۱. دانشجوی دکتری الهیات گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

۲. دانشیار مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Dr.abbasi@sbmu.ac.ir

۳. استادیار الهیات گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

۴. استادیار الهیات گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

۵. استادیار الهیات گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۱ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۸

### چکیده

ارتقای کیفیت خدمات اجتماعی عمومی دولتی نقش مهمی در رفاه، آسایش و سلامت هر جامعه‌ای دارد. هدف اصلی این پژوهش پرداختن به مقایسه تطبیقی اصول رایگان خدمات اجتماعی نظیر (تأمین اجتماعی و بهداشتی - درمانی، تکریم حریم خصوصی افراد، امنیت شخصی و پلیسی و آزادی کار و مسکن) مد نظر ما در این پژوهش است که در دو کشور ایران و انگلیس با استناد به قوانین حقوقی و قاعده فقهی وجوب تکریم انسانی و عدالت انجام گرفته است. در این راستا به شناخت و تعریف مفاهیم و معیارهای خدمات اجتماعی عمومی در دو کشور مورد نظر پرداختیم. در قوانین حقوقی ایران خدمات رایگان اجتماعی عمومی شامل خدمات آموزشی و تا حدودی بیمه و تأمین اجتماعی است که بیمه رایگان است. در قوانین حقوقی انگلیس، خدمات بهداشتی - درمانی و بیمه رایگان و بیمه رایگان هستند و برای برخی افراد ویژه تسهیلاتی را به کار برده‌اند و خدمات رایگان در اختیارشان نهاده است. این خدمات می‌تواند توسط دولت و نهادهای محلی و همچنین توسط بخش خصوصی ارائه گردد. قوانین اساسی هر دو کشور بر حقوق بنیادین خدمات عمومی برای شهروندان و تکالیف دولت، تأکید تقریباً یکسانی دارند، اما به رسمیت‌شناختن این حقوق در قوانین اساسی، به منزله قابل دسترس بودن این حقوق برای تمام افراد نیست. در امنیت شخصی و منع شکنجه، این حقیقت که در هر دوره‌ای برای این که بازشناسایی نمود که آیا شکنجه وجود دارد و یا به قوانین احترام گذاشته می‌شود یا خیر باید به خروجی دولت‌ها نگریست.

**واژگان کلیدی:** مقایسه تطبیقی؛ اصل رایگان بودن؛ خدمات اجتماعی؛ قاعده وجوب تکریم انسان؛ قانون اساسی؛ حقوق انگلیس

## مقدمه

حقوق بشر، حفظ حرمتی است که خداوند در قرآن بارها به آن اشاره کرده است و در قانون اساسی کشورمان نیز به این حق اهمیت داده است. تعهداتی که دولت‌های منتخب برای حفظ امنیت، حفظ کرامت بشری، برآورده ساختن نیازهای رفاهی و پزشکی و دیگر نیازها کرده است، باعث می‌شود که این موضوع مهم مورد بررسی و تفحص قرار گیرد. پرداختن به این موضوع راه‌گشای برخی مسائل خدمات اجتماعی عمومی می‌باشد و زمینه‌های بهتر شدن ارائه خدمات عمومی در جهت منافع مردم را ارائه می‌دهد. مقایسه تطبیقی رایگان بودن خدمات عمومی اجتماعی در ایران و انگلیس با این دلیل بودن است که ایران کشوری در حال توسعه است و انگلیس کشوری پیشرفته که در جهان خدمات عمومی اجتماعی شایسته و درخوری به شهروندانش ارائه می‌دهد، لذا کشوری به مانند ایران می‌تواند در این زمینه از قوانین حقوقی در جهت خدمت‌رسانی به شهروندانش کمک شایانی بگیرد و زمینه‌های پیشرفت و رفاه را فراهم آورد. بررسی تطبیقی و رعایت این معیارها در نظام حقوقی ایران و انگلیس محور اصلی بحث در این پژوهش می‌باشد، موجب شناخت نقاط ضعف و قوت هر دو کشور و غنی‌تر کردن اجرا و نظارت بر اجرای این اصول و حقوق با استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته در کشور ایران می‌شود. سؤال اصلی این مطالعه این است که مطالعه تطبیقی اصل رایگان بودن خدمات اجتماعی شهروندان انگلیس و ایران بر اساس قاعده وجوب تکریم انسانی چه جایگاهی در قوانین حقوقی ایران و انگلیس دارد؟

## تبیین اصطلاحات محوری

## ۱- مفهوم خدمات عمومی

مفهوم خدمات عمومی از مفاهیم راهبردی و بنیادین حقوق عمومی به شمار می‌رود (۱). همچنین عباسی و کیا این‌گونه تعریف نموده‌اند: اموری است که جهت رفع نیازها و تأمین منافع عمومی ضرورت دارد، تابع حقوق خصوصی نیست و دولت به نحوی آن‌ها را اداره یا بر آن‌ها نظارت می‌کند (۲). به گفته دولو بادر: خدمات عمومی، ماهیت ویژه‌ای در برابر

سایر خدمات ندارد، جزء این‌که هدف آن تأمین منافع عمومی است و همین عامل شخصی است که به خدمتی وصف عمومی می‌بخشد. پرفسور ژز در تعریف خدمات عمومی چنین می‌گوید: خدمات عمومی منحصر به نیازهای عام‌المنفعه است که دولت مردان یک کشور در برهه‌ای از زمان معین تصمیم می‌گیرند تا آن نیازها از طریق سازمان‌های عمومی یا دولتی برآورده کنند و... (۳).

## ۲- مفهوم اصل برابری

اصل برابری در حقوق عمومی از مناقشه‌برانگیزترین و پیچیده‌ترین اصول است، هرچند این اصل در آغاز در قوانین اساسی و اعلامیه‌های حقوق بشری بروز یافته است، ولی این اصل امروزه در کنار اصل نفی جانبداری و ممنوعیت تبعیض که در واقع برآمده از اصل برابری هستند، در فرایند اتخاذ تصمیمات اداری اهمیت بسیاری یافته است (۴). اصل برابری در قانون اساسی ایران در چندین اصل مورد توجه قرار گرفته است، از جمله این اصول می‌توان به اصول ۳ (بند ۳، ۹، ۱۴، ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۳۰ و ۳۴) اشاره کرد. این اصل به دنبال ایجاد رابطه منطقی میان تصمیم متخذه و اهدافی است که مقام عمومی بر اساس آن تصمیم می‌گیرد. بر این اساس، اتخاذ هر قسم تصمیم یا اقدامی که خارج از هدف مورد نظر بوده یا هر اقدام سخت‌گیرانه و خارج از حد ضرورت ممنوع است. اصل برابری، در راستای اصل تناسب مقام اداری حق ندارد قوانین و مقررات را به گونه‌ای تفسیر نماید که باعث محرومیت اشخاص ذی‌نفع از حقوق قانونی خویش گردد (۵).

## ۳- مفهوم دولت رفاه

این اصطلاح از دو واژه دولت (State) به معنای کشورداری و رفاه (Welfare) به معنای آسایش و خیر و سعادت تشکیل شده است. برخی ظهور دولت رفاه را محصول بر سر کار آمدن دولت‌های کارگری یا احزاب سوسیال دموکرات در کشورهای صنعتی می‌دانند و عده‌ای مخالف و آن را رد کرده‌اند (۶). دولت رفاه، به معنی وجود سیاست‌های سنجیده و هوشمندانه‌ای در زمینه تأمین دست کم حداقل استاندارد زندگی برای همه و ارتقای برابری در فرصت‌های زندگی است و در آن هیچ تردیدی در زمینه ضرورت تمرکز کلیه نهادهای

#### ۴- قاعده وجوب تکریم انسان

واژه کرامت، معنای عامی دارد و هر چیزی را که در جای خودش شرافت و بزرگی داشته باشد، دارای کرامت می‌گویند (۱۱). حرمت، حیثیت، ارزش، درجه، عزت، انسانیت و بزرگواری، همگی برای معنای لغوی کرامت بیان شده‌اند (۱۲). مقررات کیفری در دین اسلام، جنبه ثانوی و تبعی داشته است؛ سنت به تبع قرآن، بیش از هر چیز بر مفاهیمی متعالی نظیر، توحید، تقوی، اخلاق، عدل، احسان و... تکیه کرده و به احیای کرامت نوع بشر و محو وجوه امتیاز افراد و طبقات اجتماعی پرداخته است. در سنت نبوی، تمایلی بر ای تدوین و توسعه مقررات کیفری وجود نداشته و نشانی از توسل به نهادهای کیفری برای تسلط بر اوضاع و تثبیت و تضمین بقای قدرت سیاسی وجود ندارد. و ایشان از راه تقویت آموزه‌های اخلاقی و باورهای دینی و بازدارنده‌های وجدانی درصد کنترل رفتار اجتماعی شهروندان و حفظ نظم و امنیت بوده است (۱۳). بر اساس قاعده تکریم انسان می‌توان حداقل در بخشی از احکام، به جای مسلمان بودن، انسان بودن فرد را مبنا قرار داد. این در حالی است که در مراجعه به آرای فقها، کم‌تر موردی را می‌بینیم که تکریم انسان به عنوان یک اصل، مبنا قرار گرفته باشد. شاید مهم‌ترین نگرانی فقها از پذیرش این قاعده، نقض‌هایی باشد که در احکام فقهی وجود دارد و در ظاهر قابل جمع با کرامت ذاتی نیست در حالی که با قاعده‌مند کردن موارد نقض، می‌توان اصل کرامت ذاتی را ثابت نگه داشت و تأثیراتش را در فقه و حقوق شاهد بود (۱۳).

از جمله اقتضائات و آثار قاعده تکریم انسان، حفظ امنیت عاطفی افراد است. آیا با فردی که مجرم است و متخلف، می‌توان هر گونه برخورد کرد؟ آیا فرد مهدورالدم را که به مجازات اعدام محکوم شده، قبل از اجرای حکم، می‌توان مورد اذیت و آزار قرار داد؟ برخی در باب اسیر محکوم به قتل، چنین کاری را جایز شمرده و دستورات ائمه درباره خوش رفتاری با اسیر را حمل بر استحباب نموده‌اند، با این استدلال که مشرک هیچ گونه احترام و ارزشی نداشته و پست‌ترین موجودات زیان‌آور است که باید از بین برود (۱۴).

رسمی بر تأمین خدمات عمومی همگانی وجود ندارد. به عبارتی دیگر و به طور کلی دولت رفاه به دنبال تأمین اجتماعی است و منظور از آن انواع و اقسام خدمات و کمک‌هایی است که در درون جامعه مدرن بر حسب پیدایش برخی نیازهای اجتماعی و سیاسی جدید اهمیت پیدا کرده است و به دلیل پرهزینه‌بودن، بخش خصوصی تمایلی به سرمایه‌گذاری در آن ندارد و به منظور کاهش مخاطرات زندگی و حمایت از افراد جامعه صورت می‌پذیرد. بر دو اصل اساسی دولت رفاه تأکید شده است: ۱- تأمین خدمات رفاهی برای تضمین بقا در شرایط اقتصاد آزاد (سرمایه داری)؛ ۲- وجود دولت دموکراتیک. این دو اصل را می‌توان جزء اصول شالوده‌ای دولت رفاه تعریف کرد. دولت رفاه به معنای خاص دلالت بر وضعیت ویژه‌ای دارد که در آن دولت‌های طرفدار اقتصاد آزاد، تأمین پایه‌ای‌ترین خدمات اجتماعی و ارائه سطوح معینی از خدمات رفاهی به توده‌های نیازمند را به منظور ایجاد تعادل و توازن اجتماعی و سیاسی به عهده می‌گیرند (۷). دولت رفاه دارای این ویژگی‌های می‌باشد:

۱- در دولت رفاه فرد موقعیت محوری دارد؛

۲- حداقل سطح زندگی و فرصت برای شهروندان بی‌توجه به نژاد، عقیده یا رنگ تضمین می‌کند؛

۳- رشته گسترده‌ای از خدمات اجتماعی را برای شهروندان فراهم می‌آورد؛

۴- توزیع مناسب درآمد را برای همه شهروندان تضمین می‌کند (۸).

دولت رفاه مستقیماً به وسیله مقررات رفاهی گوناگون در رفاه فرد از جمله خدمات رفاهی مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و خدمات اجتماعی شخصی، کمک‌های بیکاری، کمک به کودکان و... یارانه‌ها (مانند یارانه‌های مسکن و یارانه‌های اشتغال) و تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی مشارکت دارد (۹). به طور کلی دولت رفاه در جهت برآورده کردن نیازهای اولیه و ارکان دموکراسی در جامعه و همچنین گسترش بهداشت عمومی و تضمین اقتصاد سالم برای رشد اقتصادی همه افراد در جامعه تا زمان مرگ گام برمی‌دارد (۱۰).

## ۵- اصل رایگان بودن

اصل رایگان بودن خدمات عمومی، یکی از اصول اساسی خدمات محسوب می‌شود، اما تنها برخی از حقوقدانان از آن به عنوان اصل حاکم بر خدمات عمومی یاد می‌کنند، مانند موریس هوریو، وی بر این اعتقاد بود که خدمات عمومی باید رایگان و به وسیله درآمدهای عمومی و مالیات‌ها تأمین گردد (۱۵). برخی از حقوقدانان، اصل رایگان بودن خدمات عمومی را یکی از اصول مهم این خدمات می‌دانند و بر این باورند که خدمات عمومی باید رایگان و به وسیله درآمدهای عمومی و مالیات‌ها تأمین گردد (۱۶).

## اصل رایگان بودن خدمات اجتماعی عمومی در ایران بر اساس قاعده وجوب تکریم انسان

اصول حقوق اجتماعی عمومی را می‌توان دسته‌ای از اصول برنامه‌ای، کلی و الزام‌آور دانست که در رده‌بندی هنجارها از منزلت بسیار والا برخوردارند. پرسش قابل طرح این است، اصول رایگان خدمات اجتماعی عمومی چه اهدافی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس قاعده فقهی وجوب تکریم انسان دنبال می‌کند؟ واقعیت این است که شناسایی این اصول کاری ساده نیست، زیرا درباره همه آن‌ها اجماع نظر وجود ندارد. شناخت اصول خدمات اجتماعی تابعی از موقعیت‌های زمانی و مکانی است. به دیگر سخن، شرایط محیطی به ویژه شرایط فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌تواند در شناسایی اصلی تأثیر گذاشته یا اهمیت آن را برجسته‌تر کند.

خدمات اجتماعی، فعالیت‌هایی در راستای منفعت اجتماعی و کمک به افراد نیازمند، گروه‌های آسیب‌پذیر و یا آسیب‌دیده است. این خدمات ممکن است به صورت نقدی و جنسی باشد (۱۷). در ایران، تأمین اجتماعی، امور جوانان، بهزیستی، امور مربوط به زنان (بالاخص زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست)، برخی نهادهای شبه‌عمومی همچون کمیته امداد امام خمینی (ره) و برخی بخش‌ها نظیر بنیاد جانبازان از جمله سازمان‌هایی هستند که رسالت ارائه خدمات عمومی اجتماعی را بر پایه احترام و تکریم انسان است را بر عهده دارند. به این

ترتیب موضوع خدمات عمومی اجتماعی را می‌توان به ترتیب زیر دانست: ۱- سیاست‌های حمایتی دولت همچون ارائه خدمات به برخی از قشرهای اجتماعی آسیب‌پذیر مانند معلولین، جوانان، زنان، اقلیت‌ها، بیماران، سالمندان و بیکاران یا بیمه از کارافتادگی؛ ۲- سیاست‌های ارشادی و هدایت‌گرانه همچون وزارت ارشاد اسلامی و سازمان تبلیغات اسلامی و یا حمایت‌های دولت از کلیساها و مراکز فرهنگی در کشورهای خارجی. خدمات عمومی اجتماعی توسط بخش خصوصی صورت می‌گیرد که دارای اهداف اجتماعی و خیرخواهانه هستند، مانند فعالیت‌های انجمن‌های خیریه که تابع حقوق مختلف هستند (۱۸). برابر بندهای «ب» و «د» ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری، برقراری عدالت، تأمین اجتماعی باز توزیع درآمد، رفع فقر و بیکاری جزء امور حاکمیتی و مدیریت بسیاری از این امور و خدمات اجتماعی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، کمیته امداد و... می‌باشد، البته به موجب مواد ۶۸ و ۷۱ قانون شوراها، انجام برخی از خدمات اجتماعی به صورت رایگان بوده که به شوراهای اسلامی شهر و روستا سپرده شده است (۱۹). در این بخش به اصل رایگان بودن خدمات اجتماعی چون خدمات بهداشتی - درمانی و تأمین اجتماعی، خدمات امنیتی - پلیسی و آزادی کار و مسکن در قانون اساسی بر اساس قاعده وجود تکریم انسان در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

### ۱- خدمات بهداشتی - درمانی

انسان برای به واقعیت در آوردن خواسته‌ها و ارضای نیازها و مقابله با عواملی که ممکن است زندگی وی را به مخاطره اندازد، نیازمند تندرستی است. قوانین مربوط به تأمین اجتماعی در ایران در مورد قانون تأمین اجتماعی (۱۳۵۴ ش.) قوانین پراکنده و جزئی هستند و بیشتر در قالب آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های خاص تعریف شده‌اند تا در قالب مصوب مجلس ضمن این که ضرورت ایجاد ساز و کارهای عملی کارتر در این خصوص و ایجاد انتظام در امر تأمین اجتماعی و تلقی آن به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق ملت که یک مفهوم پایه‌ای حقوق بشر محسوب می‌شود، به صورت قاطع وجود دارد که با ایجاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، تا حدودی شاهد

## ۲- خدمات امنیتی - پلیسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی به صراحت از حق امنیت فردی سخن به میان نیامده است، اما سعی کرده همه متعلقات این حق را مطرح و در نهایت با شناسایی این حق به عنوان یک حق اساسی در جهت تکریم انسان، ضمانت اجرای مناسب را، هم در عرصه قانونگذاری و هم در عرصه اجرا برای آن مقرر کند. بنابراین حق امنیت در نخستین اسناد حقوق بشر به ممنوعیت بازداشت خودسرانه اختصاص یافته است (۲۴). امنیت، به عنوان حق اساسی، وضعیت و حالتی است که در آن انسان قادر به بهره‌مندی از مزایا و مواهب حیات باشد. در این راه باید تمامیت وجودی او مصون از هر نوع تعرض باشد و برای بهره‌مندی شایسته از حقوق فردی، زمینه ارتقای آن فراهم شود (۲۵). امنیت شخصی، در قانون اساسی ایران عموماً دلیل امنیت قضایی و مصونیت شخصی در برابر تعرض دیگران مطرح شده است. بر این اساس برای نیل به کرامت والای انسانی و آزادی توأم با مسؤولیت در برابر خدا، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف به تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عمومی در مقابل قانون است. دلیل این امر این است که حیثیت، جان، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است و مگر در مواردی که قانون تجویز کند (اصل ۲۲). در اعلامیه حقوق یا متون قانون اساسی، معمولاً به مواردی بر می‌خوریم که هدف آن‌ها ایجاد خصیصه‌های خصوصی فرد در پروسه و اجرای عدالت است، این امر از آن روست که فرد در پیشگاه دادگاه به تنهایی برانگیخته می‌شود و حمایت‌های مدنی و سیاسی نباید تأثیری در صدر حکم قضایی داشته باشد. بنابراین در نظام قضایی باید ساز و کارها یا ضمانت‌هایی پیش‌بینی و تعبیه شوند تا تنهایی فرد در این نظام موجب ناامنی زندگی شخصی و تحت‌الشعاع قرارگرفتن حق حیات او نشود. محتوای اصلی این حق را که عبارت است از مصونیت و تأمین حقوق فردی، به وضوح در قانون اساسی مشاهده کرد. (۲۶). امنیت، یعنی این‌که افراد از هر گونه تجاوز و تعرضی نظیر قتل، ضرب و جرح، حبس، شکنجه‌های روحی و جسمی و سایر مجازات‌های غیر قانونی و به تعبیر دیگر، هر عملی که

ساماندهی امر تأمین اجتماعی خواهیم بود (۲۰). اصل ۲۹ قانون اساسی برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی‌درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و... حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک فرد کشور تأمین کند (۲۱).

در زمینه خدمات بیمه و بهداشت و درمان، دولت هدفش این است که تضمین دسترسی به حداقل سطح ضروری بیمه و به دست‌آوردن آب، بهداشت و مراقبت‌های بهداشتی را برآورده سازد (۲۲). برای اجرای برنامه‌های بهداشتی بایستی یکسری اهداف داشته باشیم که ارتقای سطح سلامت جامعه هدف کلی برنامه‌های بهداشتی است. همچنین گروه‌های هدف برای برنامه‌های بهداشتی مد نظر باشد که در نظام بهداشتی گروه‌های هدف به شرح زیر می‌باشند: ۱- گروه کودکان زیر ۶ سال (که این گروه به گروه‌های متفاوتی تقسیم می‌شوند)؛ ۲- گروه مادران باردار؛ ۳- گروه دانش‌آموزان؛ ۴- گروه‌های بیماران مختلف (مانند افراد مبتلا به بیماری سل، مالاریا، فشار خون و...); ۵- گروه زوج‌هایی که واجد شرایط فاصله‌گذاری بین تولدها هستند. گروه‌های هدف فوق و بسیاری از گروه‌های دیگر از جمله افرادی از جامعه هستند که در معرض ابتلا به مشکلات سلامت هستند و برای آن‌ها برنامه‌های بهداشتی رایگان و نیمه رایگان پیش‌بینی گردیده است (۲۳).

به طور کلی خدمات بهداشتی و درمانی در ایران برای بعضی افراد خاص به دلیل بیماری‌های خاصی که دارند، رایگان و نیمه‌رایگان است. افراد با مراجعه به مراکز بهداشت هر شهر و روستا از خدمات رایگان این ارگان استفاده می‌کنند. واکسیناسیون در کشور به صورت رایگان به مردم خدمت‌رسانی می‌کنند. دولت در این بخش به افراد بیماری که دارای بیماری‌های خاص هستند، تسهیلات ویژه اعطا کرده و هزینه‌های درمان را کاسته است و گاهی رایگان ارائه می‌دهد. با استفاده مردم از خدمات بیمه هزینه‌های عمل جراحی و استفاده از آمبولانس و خدمات درمانی کاهش یافته است.

اساسی یکی از اصول اساسی و ضوابط اقتصاد ایران را تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن رسیدن به اشتغال کامل و قراردادادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند از طریقی که در همین بند یادآور شده است، بیان می‌کند.

امروزه تأمین مسکن متناسب با نیازهای مردم یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌های همه کشورهاست. تردیدی نیست که مسکن نقش بسیار اساسی در افزایش سطح رفاه و ارتقای امنیت جوامع در ابعاد مختلف دارد. ازدیاد جمعیت، آرامش عمومی و اعتماد همگانی به دولت‌ها، تقویت بنیان‌های خانواده و سلامت عمومی جامعه به میزان گسترده‌ای به داشتن سرپناهی مطلوب و مطابق با شؤونات هر شخص بستگی مستقیم دارد. در اصل سی و یکم قانون اساسی آمده است: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند به خصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. بدین ترتیب این اصل در کنار صدر اصل چهل و سوم قانون اساسی و بند ۱۲ از اصل سوم قانون اساسی به خوبی بیان می‌کند که تأمین مسکن و لزوم توجه جدی بدان از سوی دولت‌ها تا چه اندازه مورد توجه قانونگذار بوده است و متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل کم‌توجهی دولت‌ها به این مهم چه آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری به باورها و اعتماد مردم زده است.

همچنین در اصل ۳۳ چنین آورده است: «هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد و یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع و یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.»

### اصل رایگان بودن خدمات اجتماعی عمومی در انگلیس

خدمات عمومی دولتی در قوانین حقوقی انگلستان دارای جایگاه ویژه‌ای است، چراکه خدمات رایگان گسترده‌ای برای شهروندان و اتباعش قائل شده است. از حقوق و خدمات عمومی اجتماعی، چون آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت گرفته تا حمل و نقل و خدمات رایگان بهداشتی - درمانی را

منافی شؤون و حیثیت انسانی اوست نظیر فحشا، بهره‌کشی و... که براساس موازین منطقی و قانونی نباشد، در امان بماند (۲۷).

در اصل ۴۰ آمده است: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» (اصل ۴۰ قانون اساسی). اصل ۴۰ نشانه بارزی بر این ملاحظات حق‌های فردی و اجتماعی است. بر این اساس هرچه رابطه حق با منافع دیگران و مصالح اجتماعی قوی‌تر باشد، اهداف این حقوق جنبه اجتماعی بیشتری دارد و رعایت آن‌ها الزامی است. طبیعی است در این موارد اگر از غایات اجتماعی حق تخلف شود، منظور اجتماعی آن تحقق نیافته است (۲۸).

### ۳- آزادی کار و مسکن

اشتغال هر فرد در جمهوری اسلامی ایران از دو جهت مورد توجه قانونگذار بوده است. جهت اول آزادی انتخاب نوع و کیفیت شغل است که بر اساس اصل بیست و هشت قانون اساسی هرکس هر شغلی را که مایل است می‌تواند انتخاب کند، لیکن مشروط بر آن که با دستورات اسلام و مصالح عمومی مغایر نباشد، مثلاً کسی حق ندارد در به استناد اصل آزادی انتخاب شغل به ایجاد مراکز تولید و توزیع مواد مخدر بپردازد. جهت دوم، حق داشتن شغل مناسب و کار متناسب با استعداد و توانایی اشخاص است که به موجب ذیل اصل بیست و هشت قانون اساسی این امر به عنوان یک حق مسلم هر فرد ایرانی بر عهده دولت گذاشته شده است و او را موظف کرده است که با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

قانون اساسی در اصل ۲۸ قانون اساسی چنین آورده است: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیستند، برگزیند.» همچنین در بند ۴ از اصل ۴۳ قانون اساسی که به منظور تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت تدوین شده است چنین می‌افزاید: رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری. همچنین در بند ۲ از اصل چهل و سوم قانون

تحت پوشش دارد تا جایی که می‌تواند رهبری جامعه را در دست بگیرد. تأثیر مثبت رهبری در بهبود خدمات عمومی بخش دولتی در ۱۱ مطالعه کشف شد. پنج نفر با مدارس مرتبط هستند (۲۹)، دو جنبه از NHS و دو نفر با دولت محلی علاوه بر این، (۳۰) یک مطالعه تطبیقی را انجام داده‌اند که مطالعه تأثیر تمرکززدایی رهبری در بیمارستان‌ها، مدارس و مقامات محلی است. به استثنای مورد ولی، همه مطالعات کیفی و به عنوان ابزار تحقیق اصلی نیمه‌ساختاریافته مورد استفاده قرار می‌گیرند.

دیوید کامرون در انگلستان به طور دوره‌ای ایده‌ای از جامعه بزرگ را احیا کرد. دشوار است تصور کنید که خدمات عمومی، با این حال متحول می‌شود، و با سرمایه‌گذاری کم‌تر می‌تواند بهبود یابد. «تأمین و حقوق اجتماعی از دنیای سنت تا دنیای مدرن برای حق‌شدن، راه پریچ و خمی را پیموده است» (۳۱). «به رسمیت‌شناختن حقوق اجتماعی به مفهوم اجرای کامل و فعلیت این حقوق نیست و آنچه در اسناد بین‌المللی به عنوان حق افراد و تکلیف دولت آمده است، زمانی در عمل قابل تحقق خواهد بود که وارد حقوق داخلی کشورها شده و تضمین‌های قضایی لازم برای آن اتخاذ شود. تداوم حیات یک جامعه مدنی پیشرفته، مستلزم نگرش اجتماعی و مسؤولانه کلیه اقدار جامعه به ضرورت برقراری امنیت، ایجاد آرامش، امید آینده و تأمین معاش مادی کافی برای همه افراد است و دولت یا حاکمیت سیاسی به این سه ضرورت، مأخوذ، مسؤول و مبعوث است» (۲۲). حقوق اجتماعی شامل حقوق زیادی است که در این پژوهش: خدمات تأمین اجتماعی و بهداشتی - درمانی، تکریم حریم خصوصی افراد، خدمات امنیتی - پلیسی و آزادی کار و مسکن را دربر می‌گیرد.

#### ۱- خدمات تأمین اجتماعی و بهداشتی - درمانی

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یکی از اسناد مهم و تأثیرگذار بر مقوله حقوق اجتماعی است. بند یک از ماده ۲ میثاق مقرر می‌دارد که: دولت‌های عضو میثاق باید به طرق مناسب از جمله تصویب قوانین لازم به طور انفرادی یا با کمک و همراهی بین‌المللی مخصوصاً کمک‌های فنی و اقتصادی در جهت استفاده از حداکثر منابع قابل حصول خود

برای دستیابی تدریجی به تحقق کامل حقوق مندرج در میثاق گام بردارند، زیرا اجرای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اغلب نیاز به تأمین منابع و امکانات و گاه همکاری بین‌المللی و تصویب قانون دارد، لذا پیش‌بینی شده که به تدریج کوشش برای اجرای آن‌ها باید صورت گیرد، ولی دو چیز باید فوراً اجرا شود: یکی تضمین این امر که حقوق مندرج در این میثاق بدون تبعیض اجرا خواهد شد؛ دیگری تعهد به برداشتن گام‌هایی برای اجرای این حقوق. در بعضی موارد، خود میثاق رهنمود داده است که چگونه دولت‌های عضو، گام‌های تدریجی در اجرای مواد میثاق بردارند. توجیه طرح تأمین اجتماعی، از یک زمان به زمان دیگر و از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است و دلیل نیاز به چنین قانونگذاری، می‌تواند مبتنی بر عدالت اجتماعی و یا برابری اجتماعی و به لحاظ تأمین ثبات اقتصادی و اجتماعی باشد (۳۲). یکی از خدمات ارزنده‌ای که کشور انگلستان به آن توجه شایانی مبذول داشته خدمات تأمین اجتماعی و بهداشتی - درمانی برای شهروندان است که بر اساس تکریم و عدالت انسانی بنا نهاده شده است.

#### ۱-۱- خدمات تأمین اجتماعی: اصطلاح تأمین اجتماعی

اولین بار در سال ۱۹۳۲ در طرح (نیودیل) مطرح شد که طی آن تدابیر گوناگونی برای بهبود و رونق اقتصادی ملی و تأمین اجتماعی به دنبال بحران اقتصادی ۱۹۳۰ در امریکا در جهت رفاه عامه مردم ابتکار گردید. در دوران جنگ جهانی دوم، نهضتی بین‌المللی آغاز شد که در پیشرفت عقاید و اقدامات مربوط به تأمین اجتماعی تأثیر به‌سزایی داشت و در سال ۱۹۴۱ بنا به تقاضای دولت انگلیس در اصل پنجم منشور آتلانتیک قید شد که دولت‌ها مصمم هستند از طریق همکاری شرایط بهتر برای کار، وضعی مساعدتر برای پیشرفت اقتصادی و زمینه‌ای مهیاتر برای تأمین اجتماعی جهت کلیه ملل و اقدام برقرار سازد (۳۳). با تحول در مفهوم حق از حقوق فطری به حقوق ناشی از آزادی، تأمین اجتماعی چهره‌ای منظم یافت و وارد حقوق اساسی کشورها گردید. تأمین اجتماعی، به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر مطرح شد. به این معنا که انسان به دلیل انسان‌بودن، حق دارد از مزایای تأمین اجتماعی برخوردار شود و این لطفی نیست که

۲-۱- خدمات بهداشتی - درمانی: سرویس سلامت ملی تحت عنوان (NHS) به منظور «پیشگیری، رسیدگی به بیماران سرپایی و بستری با مراقبت تخصصی بیمارستانی، دارو برای بیماران سرپایی و بستری شده، خدمات دندان پزشکی، مراقبت‌های بهداشت روانی، آموزش و توانبخشی به معلولین را پوشش می‌دهد.»

NHS بزرگ‌ترین تأمین‌کننده خدمات بهداشتی - درمانی کشور انگلستان و گسترده‌ترین سیستم درمانی یکپارچه در سراسر جهان است که از زمان تأسیس در سال ۱۹۴۸ تاکنون یکی از خدمت‌رسانی‌های مهم و مطرح در این کشور بوده است. اغلب خدمات بهداشتی - درمانی به طور رایگان به بیماران ارائه می‌گردد و به همین جهت بیش از ۱۰۰ میلیارد پوند از بودجه سالانه انگلیس به آن اختصاص داده می‌شود. از آنجا که تمام این هزینه‌ها توسط دولت پرداخت شده و در حال حاضر این خدمات بیش از ۹۰٪ جمعیت انگلستان را زیر پوشش قرار داده است. NHS در سال ۱۹۴۸ برای ارائه مراقبت‌های بهداشتی جامع رایگان در دسترس عموم قرار گرفت. خدمات بیمه‌ای و درمانی دولتی رایگان در انگلستان به طور عمومی مراقبت‌های بهداشتی از مالیات عمومی این کشور تأمین می‌شود. در انگلستان، در کنار دولت، مجموعه‌ای از کمک‌های شرکت‌های خصوصی، برای تأمین کمبود منابع مالی محلی و مؤسسات خیریه هزینه‌های درمانی را می‌پردازند (۳۸). این NHS به عنوان مهم‌ترین برنامه ساخت و ساز سوسیالیست در بریتانیا پس از جنگ شرح داده شده است و به عنوان یکی از تناقضاتی که در شکل‌گیری آن غالب بود، ذکر شده، به ویژه به عنوان «اقدام اجتماعی شدن عمیقاً غیر سوسیالیستی» ادامه یافته است (۳۹).

NHS طبق استانداردهای بین‌المللی مدل «بهترین گزینه درمانی» برای ارائه مراقبت‌های بهداشتی جامع جهانی با کم‌ترین قیمت در راه معقول و صحیح‌اش بود (۴۰). مشارکت در خدمات درمانی رایگان با حضور پزشک عمومی انجام می‌شد. GP به خدمات نسبتاً گران خدمات بیمارستان (پزشکان عمومی در مراقبت‌های اولیه که وضعیت مستأجر پیمانکار را حفظ می‌کنند)، فقدان قرارداد بین ارائه‌دهندگان

دیگران در حق استفاده‌کنندگان از تأمین اجتماعی مبذول دارند (۳۴). از بعد تطبیقی، واژه تأمین اجتماعی در قانون فدرال آمریکا راجع به تأمین اجتماعی که در سال ۱۹۵۳ به تصویب کنگره رسیده به مفهوم حقوقی آن مطرح شده و دارای مفهومی عام از حیث هدف حمایتی دولت است که از حالت محدود تعریف به بیمه و بیمه کارگران تأمینی از حمایت اجتماعی از تمامی ضعفا و نیازمندان را شامل می‌شود و البته در انگلستان تعریف مضیق‌تری از آن به عمل آمده و برای مثال در مجموعه مقررات شماره ۱۴۰۸ مصوب ۱۹۷۱ راجع به کارگران مهاجر تنها به شاخه‌های کلاسیک از تأمین اجتماعی که بیشتر جنبه تأمین بیمه‌ای دارند، محدود شده است (۳۵).

نظام کنونی تأمین اجتماعی انگلستان، در حد وسیعی افراد جامعه از شاغلین، کارگران و کارفرمایان و غیر شاغلین، بیوگان، زنان خانه‌دار و معلولین را تحت پوشش قرار می‌دهد. لازم به ذکر است که امروزه انگلستان برنامه‌های تأمین اجتماعی شامل همه آحاد جامعه است و صرف نظر از یک مستمری نسبتاً کم که به همگان تعلق می‌گیرد. در هر مورد خاص نیز مزایای دیگر به افراد تعلق می‌گیرد، حتی ممکن است شخص به جهت تطبیق وضعیت بتواند از چندین مزایا بهره بگیرد، مانند معلولین و سالمند یا اشخاص دارای نقص عضو که به تحصیل ادامه می‌دهند یا شغل نیمه وقت دارند یا کسانی که هم نقص عضو دارند و هم سرپرستی اطفال را بر عهده دارند (۳۶).

این نکته را باید خاطرنشان کرد که اصل الزام قانونی دولت انگلیس در برآوردن نیازهای رفاهی مردم پذیرفته شده است و نسبت به آن کم‌تر ابراز تردید می‌شود. در کشورهای پیشرفته مثل انگلستان، دادگاه‌ها و هیئت‌های تخصصی برای رسیدگی به دعاوی تأمین اجتماعی وجود دارد. دادگاه‌ها و تشکیلات اداری خاصی برای رسیدگی به دعاوی مربوط به مزایا و حمایت‌های مشارکتی و غیر مشارکتی و مزایای مبتنی بر نیاز تأسیس شده است. از این رو نقش بزرگی در نظام دادرسی تأمین اجتماعی ایران مشاهده می‌شود که مرجع تخصصی برای رسیدگی به دعاوی تأمین اجتماعی وجود ندارد (۳۷).

هزینه‌های ایاب و ذهاب افراد کم‌بضاعت به مراکز تأمینی و برعکس نیز پوشش داده می‌شود (۴۳).

با وجود این‌که سازمان ملی تأمین بهداشت و درمان خدمات رایگان می‌دهد، ولی مردم بریتانیا اغلب برای استفاده از این مزایای دولتی مجبورند زمان‌های طولانی در انتظار این امتیازات درمانی باشند. نوبتی‌بودن و انتظارهای طولانی، موضوع بحث‌برانگیز برای مردم و سیاستمداران بریتانیا بوده است (۴۴).

با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان بیان کرد که پوشش درمانی، عمومی است. همه افرادی که تبعه انگلستان هستند، تحت مراقبت درمانی که به نحو گسترده‌ای مجانی است، واقع می‌شوند. بودجه خدمات بهداشتی - درمانی از مالیات‌ها و بیمه ملی تأمین می‌گردد. عموم مردم بریتانیا برای بهداشت و مراقبت‌های پزشکی و درمانی هزینه‌ای نمی‌پردازند. همچنین مردم بریتانیا توسط پزشکان عمومی GP مربوط به محدوده مکانی خود تحت نظر درمانی می‌باشند. کسانی که بیمار می‌شوند یا نیاز به دکتر پیدا می‌کنند، می‌توانند به پزشک عمومی ناحیه خود مراجعه کرده یا با تلفن کردن به وی، دکتر را به خانه بیاورند. در خصوص دارو مردم موظفند بخشی از هزینه داروها را بپردازند، اما کودکان، افراد بالای ۶۰ سال و بیکاران از پرداخت دارو معاف هستند (۴۵).

## ۲- تکریم حریم خصوصی افراد

از جمله حقوقی به شمار می‌رود که لازم است تمام انسان‌ها در هر حکومتی با آن آشنا باشند، زیرا با آگاهی از حریم خصوصی، حقوق شهروندی رعایت خواهد شد، ضمن این‌که دولت‌ها نیز در این زمینه سهم عمده‌ای بر عهده دارند، از جمله تکالیف دولت‌ها و نظام‌های حقوقی به روزکردن قوانینی است که در حوزه حریم شخصی شهروندان وضع شده‌اند. «در حقوق انگلستان، تنها برخی از تعرضات به حریم خصوصی منع شده است. سوابق موجود در نظام حقوقی این کشور بیانگر آن است که دادگاه‌ها در بعضی موارد مجازات‌ها و جبران خسارتی را برای نقض حریم خصوصی در نظر گرفته‌اند، اما تضمین صریح ناشی از قانون اساسی برای حق حریم خصوصی وجود ندارد. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و

یا بین ارائه‌دهندگان و بیمه‌گذاران بیمه حرفه‌ای کارکنان و اخلاق خدمت عمومی و پارسیسم دولت در تخصیص بودجه گفته می‌شد (۴۱). با این حال، از دهه ۱۹۷۰ هنگامی که شرایط اقتصادی تغییر کرد، در راستای «اصلاحات NHS» خدمات عمومی بهداشتی - درمانی بزرگ‌تری، افزایش یافت و در دستور کار سیاسی قرار گرفت (۴۲). حقوق بهداشتی و سلامت در انگلیس شامل حق بیمه و شبکه‌های سلامت است.

حق بیمه: چند روش برای تقسیم هزینه‌های درمانی برای خدماتی که به صورت عمومی ارائه می‌شوند، وجود دارد. برای بیمارانی که تحت NHS توسط پزشکان عمومی، دندان‌پزشکان و... معاینه می‌شوند، هزینه ثابتی معادل ۷/۲۰ یورو (۱۱/۵ دلار) برای هر معاینه باید پرداخت شود، ولی حدود ۸۹٪ موارد از این پرداخت مستثنا هستند (مرکز اطلاعات ۲۰۰۸ م.). برای خدمات دندان‌پزشکی تحت NHS هزینه ثابت برابر ۱۹۸ یورو (۳۱۶ دلار آمریکا) برای هر دوره درمانی می‌باشد، هرچند شاید به دلایل تاریخی مشکلاتی در دسترسی به خدمات دندان‌پزشکی NHS در بعضی حوزه‌ها وجود داشته باشد. ارتقای دسترسی به خدمات دندان‌پزشکی NHS هم‌اکنون یک اولویت ملی برای NHS است. هزینه‌های نقدی، شامل هر دو مورد حق بیمه و مخارج پرداختی که مستقیماً توسط خانوارها پرداخت می‌شوند، طبق محاسبه ۱۱٪ از کل مخارج بهداشتی ملی را دربر می‌گیرد (۴۳).

شبکه‌های سلامت: بیشتر هزینه‌ها از بودجه عمومی تأمین می‌شوند. محاسباتی در محل برای کاستن از هزینه خدمات NHS در جاهایی که این موارد تأثیراتی منفی بر گروه‌های خاصی از بیماران دارد، انجام می‌شود. موارد زیر از پرداخت هزینه‌های ثابت نسخه‌های دارویی مستثنا هستند: کودکان زیر ۱۶ سال و کسانی که تحت آموزش تمام وقت در سنین ۱۶، ۱۷ و ۱۸ سالگی هستند، افراد شصت سال به بالا، افراد کم‌درآمد و بی‌بضاعت، زنان باردار و آن‌هایی که طی ۱۲ ماه گذشته زایمان داشته‌اند و افراد دارای شرایط پزشکی خاص یا نقص عضو و ناتوان. برای افرادی که مقدار زیادی مصرف داروی تجویز شده دارند، تخفیف‌هایی در نظر گرفته می‌شود.

اما تضمین صریح ناشی از قانون اساسی برای حق حریم خصوصی وجود ندارد. کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز در حقوق انگلیس اعمال نشده است (۴۹).

### ۳- خدمات امنیتی - پلیسی

تعهدات دولت‌ها در زمینه پاسداری از حق آزادی و امنیت شخصی در اسناد جهانی حقوق بشر همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی میثاق بین‌المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد اسناد منطقه‌ای مانند، اعلامیه اسلامی حقوق بشر و کنوانسیون‌های اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تصریح شده است. مبنای اصل حمایت از آزادی‌های تن و روان و سایر حقوق و آزادی‌های افراد اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این اعلامیه در سال ۱۹۴۷ و ۱۹۴۸ تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده است. در ۳۰ ماده حقوق و آزادی‌های اساسی را که همه مردم جهان می‌باید بدون هیچ گونه تبعیض از آن برخوردار باشند، تدوین کرده است (۵۰).

ماده ۳: اعلامیه جهانی حقوق بشر بند ۱ ماده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بند ۱ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مردم حق امنیت شخصی را به همراه آزادی شخصی شناسایی کرده‌اند. حق آزادی شخصی در ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به صورت ضمانت‌های شکلی در مقابل بازداشت خودسرانه غیر قانونی نمود یافته است. به همین دلیل از آن به عنوان آزادی از بازداشت خودسرانه نیز یاد می‌شود. به عنوان آزادی از بازداشت خودسرانه نیز یاد می‌شود. بند ۱ ماده ۹ با بیانی مثبت آغاز شده و در این بند حق آزادی و امنیت شخصی به عنوان اصل آمده و بازداشت خودسرانه و غیر قانونی آن ممنوع اعلام شده است (۵۱). در قوانین انگلستان نیز آزادی معنوی انسان‌ها جزء حقوق مسلم و اساسی آنان شناخته شده و تعرض به آن طبق قانون جرم شناخته می‌شود. از آنجایی که سیستم حقوقی انگلستان نظام کامن‌لا می‌باشد، در نظام مذکور قاعده سابق در رأس منابع حقوقی قرار دارد و بعد از آن قانون نوشته به عنوان منابع حقوقی قرار دارد و بعد از آن سایر

آزادی‌های انسانی نیز در حقوق انگلیس اعمال نشده است» (۴۶). «در حقوق انگلستان با وجود این که حق حریم خصوصی به شکل عمومی به رسمیت شناخته نشده است، برای حمایت مدنی دادگاه‌ها با استفاده از قواعدی که برای اهداف دیگری تأسیس شده‌اند، برخی تجاوزهای رسانه‌ها به این حریم را محکوم و در آرای صادره مجازات‌هایی را تعیین کرده‌اند. در مواردی مانند افترا، نقش اقامت‌گاه و افشای اسرار که تجاوز به موجب مسؤلیت مدنی فاعل آن می‌شود، به زیان‌دیده حق مطالبه خسارت داده می‌شود» (۱۷). این قانون، یعنی قانونی که برای حفاظت از حریم خصوصی در نظر گرفته شده است با قوانینی که برای امنیت در برابر حمله یا تجاوز فیزیکی در نظر گرفته شده‌اند متفاوت است، چراکه چنین قوانین به طور کلی به عنوان بخشی از حقوق کیفری و یا قوانین شبه‌جرم در نظر گرفته می‌شوند. از لحاظ تاریخی و در حقوق عرفی انگلستان هیچ گونه حق عرفی را برای حریم شخصی به رسمیت شناخته است و تنها مفاد محدودی را در رابطه با موضوعاتی همچون آزار و اذیت و امنیت اطلاعات ارائه شده است. قانون حقوق بشر (۱۹۹۸ م.) که صراحتاً حق احترام به زندگی خصوصی را ارائه داده است در قانون حقوق بشر انگلیس و کنوانسیون اروپایی نیز گنجانده شده است، اگرچه اجرای قانون مستلزم این است که قوه قضاییه کنوانسیون را در راه توسعه این حق عرفی یاری نماید (۴۷).

در کشور انگلستان هیچ جرم مستقلی و یا عنوان مجرمانه تحت عنوان نقض حریم خصوصی افراد وجود ندارد، اما انگلستان به عنوان یک کشور اروپایی عضو کنوانسیون منطقه‌ای اروپایی حقوق بشر مصوب چهارم نوامبر ۱۹۵۰ م، ملزم به رعایت مفاد کنوانسیون یاد شده و ماده هشتم آن را در ارتباط با احترام به حریم خصوصی می‌باشد و در رویه قضایی انگلستان و نظام حقوقی کامن‌لا اجرا می‌گردد (۴۸). در حقوق انگلستان، تنها برخی تعرضات به حریم خصوصی منع شده است. حق حریم خصوصی به نحو شخص از اعتبار واحد برخوردار نیست. سوابق موجود در نظام حقوقی این کشور بیانگر آن است که دادگاه‌ها در بعضی موارد مجازات‌ها و یا جبران خسارتی را برای نقض حریم خصوصی در نظر گرفته‌اند،

- بازداشت افراد خردسال به اساس حکم قضایی به منظور رضایت آموزشی بر آن‌ها و یا بازداشت قانونی آن‌ها به منظور جلب آنان پیش از کسب اجازه مراجع صالح قضایی.

- بازداشت قانونی افراد به منظور پیشگیری از گسترش و شیوع بیماری‌ها ی عفونی، بازداشت افراد فاقد سلامت عقلانی و روانی، معتادان به الکل یا مواد مخدر، ولگردان و اوباشان.

- دستگیری یا بازداشت قانونی یک فردی که به دنبال عملیاتی‌کردن ورود غیر قانونی یک شخص به کشور باشد و یا دستگیری و بازداشت خود آن شخص به منظور اجرای حکم اخراج و استرداد وی.

بند دوم: به محض دستگیری شخصی، باید او را نسبت به دلایل دستگیری خویش و اتهاماتی که به او وارد است را با زبانی که او می‌فهمد مطلع گردد.

بند سوم: همه کسانی که برابر با مفاد بند ۱ این ماده دستگیر می‌شوند، باید فوراً نزد قاضی با ضابط قضایی مجاز به موجب قانون حاضر شود تا اعمال قانون قضایی گردد و باید این حق را داشته باشد که ظرف مدت زمان معقولی برای او دادگاه تشکیل شده و یا این که پیش از محاکمه او را آزاد کند. آزادی افراد ممکن است به صورت مشروط باشد و یا در ازای ضمانت‌هایی (وثیقه) که به دادگاه ارائه می‌گردد باشد.

بند چهارم: هر کسی که به واسطه بازداشت یا دستگیری از حق آزادی‌اش محروم گردد، باید این حق را داشته باشد که فوراً اقدامات مقتضی توسط دادگاه، در مورد قانونی بودن بازداشتش محصول گردد و چنانچه بازداشت وی قانونی نبوده باشد، دستور آزادی وی صادر گردد.

بند پنجم: هر کس برخلاف مفاد این ماده قربانی دستگیری یا بازداشت (غیر قانونی) گردد، حق جبران خسارت را خواهد داشت (۵۴).

#### ۴- آزادی کار و مسکن

یکی دیگر از حقوق خدمات اجتماعی حق آزادی کار و حق مسکن است.

۴-۱- آزادی کار: حق آزادی کار و تردد، از جمله مهم‌ترین مصادیق حقوق به شمار می‌روند. در مورد حق آزادی باید گفت که یکی از عناصر شهروندی، توانایی جا به جایی

منابع قرار می‌گیرد. در نظام حقوقی کامن‌لا حق کلی به نام حق امنیت شخصی به رسمیت شناخته شده است و خطاهای شناخته شده در انگلستان که با حمایت از امنیت شخصی ارتباط دارند، عبارتند از ورود غیر مجاز به ملک غیر، مزاحمت‌های حضوری، افشای راز و نقض حقوق مؤلف، نقض قرارداد، ایجاد عمدی ناراحتی‌های عاطفی و حسی (۵۲).

برای حمایت از امنیت شخصی در قوانین کیفری انگلیس در رابطه با ورود غیر مجاز به منزل و ملک افراد تحت عنوان جرم برگلری در قوانین سرقت مورد پیش‌بینی قرار گرفته است که شامل قانون سرقت ۱۹۶۸، قانون سرقت ۱۹۷۸ و قانون سرقت ۱۹۹۶ می‌باشد و حدود و ثغور آن و حقوق افراد را به طور اعم در ملک و به طور اخص در مسکن مشخص نموده است. در حقوق انگلیس مقصر به ارتکاب جرم می‌بایست به عنوان متجاوز، حتماً به قصد ارتکاب سرقت، ایراد صدمه شدید جسمانی یا ایراد خسارت غیر قانونی به طور غیر قانونی و با اکراه وارد منزل شود (۵۳). در مورد کشور انگلستان امنیت شخصی در بند پنجم قانون حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸ به آن پرداخته‌است. حق آزادی و امنیت شخصی در پنج بند به شرح زیر است:

بند اول: هر کسی حق برخورداری از آزادی را دارد. هیچ کس را نمی‌توان از آزادی‌اش محروم ساخت، مگر در مواردی چون:

- بازداشت قانونی یک فرد پس از محکومیت در دادگاه صالح.

- دستگیری یا بازداشت قانونی یک فرد که مصرح در قانون نیست، ولی برابر دستور قانونی دادگاه انجام می‌شود. به منظور تضمین تحقق الزامات قانونی.

- دستگیری یا بازداشت قانونی یک شخص قبل از این که توسط صالح قضایی و قانونی دستور جلب آن را بدهد. بنا بر یک سوء ظن معقول نسبت به ارتکاب جرم یا سوء ظن معقول به منظور جلوگیری از ارتکاب جرم یا در حین فرار پس از ارتکاب جرم می‌تواند جزء استثنائات باشد.

آزاد در قلمرویی می‌باشد که به آن تعلق داریم. این سیاست به دنبال افزایش اهداف اقتصادی خاص است که با افزایش نیاز به جا به جایی آزاد کارگران تحقق می‌یابد (۵۵). در نظام حقوق انگلستان، مقررات ناظر بر حقوق کار، در بخش خصوصی و کارمندان بخش عمومی تفاوت ماهوی ندارد و این امر ناشی از رویکرد کلی این نظام است که هر دو موضوع (حقوق ناظر بر کار در بخش خصوصی و عمومی) را تابع مقررات کلیسای می‌دانند. یگانگی مراجع قضایی در نظام دادگستری انگلستان نیز نشأت گرفته از این واقعیت است که در حد ممکن تمامی موضوعات تابع حقوق یکسانی باشند و در مرحله قضاوت نیز به وسیله مراجع واحدی مورد بررسی قضائی واقع شوند. نتیجه آنکه هر آنچه در خصوص حق اعتصاب کارگران در بخش خصوصی این کشور صادق است. در مورد کارمندان بخش عمومی هم مجری است (۲۰). در نظام انگلستان نیز اقدام به اعتصاب و هر نوع اقدام دسته جمعی دیگر جرم‌انگاری شده بود. در سال ۱۷۹۹ به منظور جلوگیری از اقدامات کارکنان، تشکیل هر گونه اتحادیه، غیر قانونی اعلام شد و با اعتصاب به عنوان عامل بر هم‌زننده نظم عمومی، برخورد کیفری صورت گرفت. این جریان تا سال ۱۸۷۵ ادامه یافت (۵۶). قوانین ساعات کار در انگلستان حقوق و حمایت لازم را برای کارگران فراهم می‌کند و با این قوانین آن‌ها به اضافه کاری مجبور نمی‌گردند و از حق ۴ هفته مرخصی با دریافت حقوق نیز برخوردار می‌شوند (۵۷).

**۲-۴- حق مسکن:** اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۲ درباره مسکن اعلام داشته است: هیچ کس نباید در معرض مداخله خودسرانه در زندگی شخصی، خانواده، خانه یا مکاتبات خود قرار گیرد و یا این که شرف و آبروی او مورد تعرض قرار گیرد. هر کس حق دارد که از حمایت قانون در برابر چنین مداخله‌ها و تعرض‌هایی برخوردار گردد، چراکه به تبع حمایت از آزادی مسکن مصونیت افراد در برابر تعرض و ورود بدون اجازه به منزل و همچنین تفتیش مسکن نیز باید لحاظ شود (۲۰).

در حال حاضر انگلستان، بحران مسکن را تجربه می‌کند، چراکه با توجه به واگذاری برخی از توابع این کشور توسط

دولت تعداد زیادی از افراد بی‌خانمان یا نزدیک به بی‌خانمان هستند. قوانین و سیاست‌های مرتبط با مسکن در انگلستان با دیگر قسمت‌های بریتانیا متفاوت هستند. به دلیل شرایط زندگی و همینطور شرایط تصرف املاک وضعیت مسکن این روزهای انگلستان تغییرات سریعی را در زمینه حقوق مسکن تجربه می‌کند که نتیجه این وضعیت به عنوان یک بحران شناخته شده است (۵۸). قراردادهای پیش‌فروش ساختمان در حقوق انگلستان، دربردارنده شماری از افراد در نتیجه یک شبکه از روابط قراردادی است. شخصی که ساختمانی را می‌سازد و سپس به فروش می‌رساند، سازنده نام دارد. طرف دیگر مالک است که مشتری یا کارفرماست. در یک قرارداد ساختمانی روابط قراردادی بین سازنده و مالک به قرارداد اصلی معروف است. پیش‌فروش در حقوق انگلستان به این صورت می‌باشد که سازنده که مالک اولیه زمین می‌باشد، ابتدا مالکیت زمین را به خریدار منتقل می‌کند. در این حالت خریدار، مالک زمین می‌شود، اما مالکیت او بر ساختمان تا زمانی که بنا کامل می‌شود، به تأخیر می‌افتد (۵۹). در واقع قراردادهای مربوط به احداث ساختمان و نسب مصالحی روی زمین متفاوت از قراردادهای فروش هستند (۶۰). نحوه تعریف مسکن در انگلستان عبارت‌اند از: ۱- تصرف ملک توسط مالک آن؛ ۲- مسکن اجتماعی؛ ۳- بخش اجاره خصوصی (۲۰). انگلستان میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را امضا و تصویب کرده است. با این حال دولت به طور مستقیم حقوق تحت میثاق بین‌المللی را در قوانین ملی جای نداده است، این به این معناست که افراد نمی‌توانند برای رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حق مسکن بر اساس میثاق بین‌المللی، به دادگاه داخلی مراجعه کنند. به علاوه انگلستان در حال حاضر پروتکل اختیاری کنوانسیون را تصویب کرده است که یک مکانیسمی را برای افراد فراهم می‌کند که افراد بتوانند شکایات خود را از نظر اقتصادی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظارت دارند، پیگیری کنند. هیچ حقوق قضایی برای مسکن در حقوق داخلی وجود ندارد و با وجود این که حقوق بشر که در سال ۱۹۹۸ و قانون

برابری در سال ۲۰۱۰ در میان سایر قوانین ممکن است راهی برای محافظت و اطمینان از جنبه‌های حق مسکن فراهم کند. حق مسکن تحت میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.

تعهدات اساسی ماده ۱۱: حق مسکن را در حالت وسیع‌تری از لذت کافی و استاندارد زندگی قرار می‌دهد که حق مسکن را به عنوان یکی از عناصر اساسی لذت از زندگی، منعکس می‌کند، با این حال هر جنبه از این ماده محتوای قانونی مربوط به خود را دارد.

ماهیت وظایف دولت بر اساس تعهدات: ماده ۲ تعهدات را تدریجاً در حقوق انگلستان بسط می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

انگلیس کشوری پیشرفته و توسعه‌یافته است و دارای خدمات عمومی پیشرفته در جهت برآورده کردن نیازهای مردمش ارائه می‌دهد. دولت ایران و انگلیس به وسیله ارگان‌ها و نهادها در جهت حفظ کرامت انسانی به ارائه خدمات عمومی مدنی، اجتماعی می‌پردازد. اغلب این خدمات در راستای منافع عمومی، نظم اجتماعی و امنیت فردی و اجتماعی، رفاه و بالابردن انگیزه افراد و رسیدن به رفاه اجتماعی در راستای ارزش‌گذاری و کرامت انسانی انجام می‌شود. به نظر می‌رسد اصل رایگان بودن خدمات اجتماعی عمومی در دو کشور ایران و انگلیس در بعضی موضوعات مربوطه شبیه به هم بوده و در بعضی موضوعات به واسطه تفاوت‌های نظام حقوقی، اجتماعی و مذهبی متفاوت باشند. طبق تحقیقات انجام‌گرفته باید خاطر نشان سازیم که خدمات آموزشی و بهداشت و درمان در هر دو کشور تقریباً به صورت رایگان انجام می‌گیرد، البته زیرساخت‌ها و برخی از مبانی با هم تفاوت دارند. انگلستان در خدمت‌رسانی بهداشتی و درمانی نسبت به خدمات‌رسانی در ایران گسترده‌تر و بهتر خدمت‌رسانی داشته است. بر اساس مبانی حقوقی انگلیس افراد زیر ۱۱ و افراد بالای ۶۰ سال از حقوق بهداشتی و درمانی رایگان استفاده می‌کنند، در حالی که در قوانین حقوقی ایران چنین چیزی وجود ندارد. در زمینه امنیتی - پلیسی به نظر می‌رسد در ایران تدابیر خوبی

اندیشیده شده است و در دولت انگلیس تدابیر امنیتی شدیدی اعمال شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصلی در مورد حق امنیت شخصی که به طور مجزا در این مورد باشد، وجود ندارد و این حق را در اصول دیگر و در پروسه عدالت آورده است، از آنجایی که این حق در ایران در ذیل عنوان امنیت قضایی، که در برابر تعرض ذکر شده، قرار دارد و از بین این اصول، فقط دو اصل (اصل سی و نهم و اصل سی و هشتم) وجود دارد که بیشتر و به طور عینی با امنیت شخصی در ایران با افراد در ارتباط است، ولی در انگلستان در قانون حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸ در بند پنجم این قانون به طور کامل و به وضوح به این حق پرداخته است و به این‌گونه می‌توان بیان کرد که انگلستان به این حق تأکید اساسی داشته‌اند و مورد نظر قانونگذار بوده است. این‌گونه به نظر می‌رسد، هرچند که امنیت شخصی در ایران در برابر تعرض دیگران طرح شده است و تنها در دادگاه‌ها می‌توان از این حق استنباط کرد، ولی اگر این حق همراه با آزادی مطرح شد، کاربرد مؤثرتری برای شهروندان یک جامعه می‌توان داشته باشد که در انگلستان بدین صورت است.

حق برخورداری از تأمین اجتماعی به عنوان یکی از اصول اولیه حقوق شهروندی بیان می‌گردد هدف از پایه‌ریزی حق تأمین اجتماعی حمایت از افراد در هنگام نیازمندی، بیکاری، زایمان، بارداری، حوادث ناشی از کار و بیماری‌های شغلی، از کارافتادگی، پیری و مرگ (حمایت از بازماندگان متوفا) و سوانح غیر مترقبه و مانند آن‌ها و امنیت و مصونیت از آثار و خطرات ناشی از آن‌ها می‌باشد. به این منظور این امر در ایران و انگلستان مشتبه می‌باشد. تعهد دولت در قبال این حقوق منجر به برقراری نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی گردید. جوهره این مباحث، همبستگی اجتماعی و مشارکت مردمی است که ذخیره مالی مناسبی را برای تأمین و تضمین زندگی افراد در مقابل گرفتاری‌ها و مشکلات ایجاد می‌کند، اما از دلایل ضعف این حق در نظام حقوقی ایران این می‌باشد که عدم امکان دریافت خدمات مناسب در واحدهای درمانی سازمان تأمین اجتماعی با افزایش حق بیمه‌ها انتقاد کرد و انجام حسابرسی به صورت متراکم در بازه زمانی ۵ تا ۱۰ ساله

را یکی از نقاط ضعف این سازمان می‌توان عنوان کرد، اما در انگلستان بر اساس وضعیت مالی افراد تخفیف‌هایی در نظر گرفته می‌شود. طرح تأمین اجتماعی، مزایای فراوانی را در اختیار صاحبشان قرار می‌دهد، از جمله مراقبت‌های درمانی حق عائله‌مندی، کمک هزینه‌های بیماری و بیکاری و حقوق بازنشستگی را دربر می‌گیرد و یا همانطور که ذکر شد، در انگلستان دادگاه‌ها تشکیلات اداری خاصی برای رسیدگی به دعاوی مربوط به مزایا و حمایت‌های مشارکتی و غیر مشارکتی و مزایای مبتنی بر نیاز تأسیس شده است.

آزادی کار در ایران به واسطه زیرساخت‌های اشتباه در این زمینه به خوبی اجرا نشده و بعضاً افراد در مشاغلی خدمت‌رسانی می‌کنند که هیچ گونه ارتباطی با رشته تحصیلی گذارنده شده توسط شخص ندارد. آزادی کار نیز در قانون اساسی کشور ایران و انگلستان نیز به شکلی که مغایرت با عمومیت فرهنگی اجتماعی آن کشور نداشته باشد، آزاد می‌باشد و حق مسکن در ایران و انگلستان جزء دغدغه‌های اصلی این دولت‌های می‌باشد، زیرا با گسترش جمعیت و همچنین مشکلات اقتصادی تأمین نیاز مسکن برای اکثر شهروندان کاری دشوار شده است.

### تقدیر و تشکر

این مقاله حاصل بخشی از تحقیقات انجام شده مربوط به رساله دکتری خانم اسماء رخشان می‌باشد که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات انجام شده است.

## References

1. Georgi Azandariani AA. Ten Universal Public Orders: A reflection on the fundamental principles of public law. *Journal of Private Law Studies* 2011; 41(2): 205-224. [Persian]
2. Abbasi B, Kia F. Principle of free public service in the light of the laws and procedures of the Islamic Republic of Iran. *Basic Rights* 2012; 17: 143-152. [Persian]
3. Musazadeh RE. Administrative rights. Tehran: Mizan; 2012. p.50-53. [Persian]
4. Hodavand M. Adaptive Administrative Law. Tehran: Semat; 2012. p.40. [Persian]
5. Musazadeh RE. Administrative rights. Tehran: Mizan; 2012. p.157. [Persian]
6. Malek Mohammadi HR The law-governed state and the welfare state challenge the two theories in the European political realm. *Journal of Faculty of Law and Political Science* 1998; 42: 199-210. [Persian]
7. Zahedi Mazandarani MJ. The emergence and decline of the welfare state. *Social Security Quarterly* 2000; 6: 129-164. [Persian]
8. Kamarbeigi KH. The welfare state, the past, Today and the future. *Political Economic Information Quarterly* 2009; 2(265-266): 206-217. [Persian]
9. Montaghemi M. The welfare state. *Magazine Investigations Commerce* 2010; 41: 47-59. [Persian]
10. Saibani A, Sajedi A. Welfare State and Prevention of occurrence of crime. *Journal of Research in the Nations* 2017; 17: 149-161. [Persian]
11. Raqheb Esfahani H. Mofradat al-Faq al-Quran. Qom: Dar al-Halam Eldar al-Shamieh; 1994. p.707. [Persian]
12. Dekhoda A. Dictionary. Tehran: Tehran University; 2008. Vol.6 p.1670. [Persian]
13. Arzhang A, Dehghan Simikane M. The rule of necessity for the reverence of man in the context of Islamic law. *Islamic Studies: Journal of Jurisprudence and Principles* 2015; 100: 45-70. [Persian]
14. Najafi M. Javaherol kalam fi Sharh Sharae al-Islam. Beirut: Dar Ehya al-Torath al-Arabi; 2003. p.127-145. [Persian]
15. Rezaei Zadeh M. Administrative rights. Tehran: Mizan; 2006. p.225. [Persian]
16. Abbasi B. Administrative rights. Tehran: Justice; 2010. p.177. [Persian]
17. Hushet Ashtiani H. Government's Obligations Regarding Provision of Public Services in the Iranian Law System. Supervisor by Rezaeizadeh MJ. Tehran: Azad University of Tehran Center, Undergraduate degree, Law, General tendency; 2015. p.22. [Persian]
18. Tabatabai Motameni B. Administrative rights. Tehran: Semat; 2009. p.13. [Persian]
19. Hushet Ashtiani H. Government's Obligations Regarding Provision of Public Services in the Iranian Law System. Supervisor by Rezaeizadeh MJ. Tehran: Azad University of Tehran Center. Undergraduate degree: Law. General Tendency; 2015. p.31. [Persian]
20. Maleki RU. Investigation of Social Security as a Human Right. *Journal of Basic Law* 2005; 3(5): 160-172. [Persian]
21. Sharifian J. Islamic Republic of Iran Strategy on Human Rights in the International Organization Tehran. 1st ed. Tehran: Ministry of Foreign Affairs; 2001. p.423. [Persian]
22. Koullivand H, Esmati Z. The right to social security, a comparative study of Iranian-British law in the light of international human rights instruments. *Legal Journal of Justice* 2014; 4(85): 83-112. [Persian]
23. Adham D. Systems of health care services in Iran and the world. Ardebil: Yavrian Publishing Cultural Institute; 2007. p.46-49. [Persian]
24. Amid Zanjani AB. Political Jurisprudence. Tehran: Amirkabir; 2005. p.147. [Persian]
25. Alizadeh A, Kaviani MH. The right to individual security in the constitution of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Law and Political Science* 2011; 4: 252-272. [Persian]
26. Pour Said F. Human Security in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies* 2006; 41: 545-572. [Persian]
27. Shabani QA. Islamic Republic of Iran Basic Law and Constitution. 54th ed. Tehran: Publishing Information; 2015. p.119. [Persian]
28. Bahrami Ahmadi H. Misuse of the right. Tehran: Newspaper Publishing; 2001. p.210. [Persian]
29. Cohen H. Freedom of speech & press. Exceptions to the First Amendment. Landon: British Journal of Management; 2009. p.28.
30. Hartley J, Allison M. The Role of Leadership in the Modernisation and Improvement of Public Services. *Public Management & Money* 2000; 23: 35-40.

31. Peters E. Torture. 2nd ed. California: University of Pennsylvania; 1998.
32. Idea A, Keravzh K, Rosas A. Socio-economic rights and culture. Translated by Amir Arjmand A. 1st ed. Tehran: Magdale; 2010. p.217.
33. Hantington S, Heresoon L. The Importance of Culture. Translation Agency for Management Development of Iran. Tehran: Amirkabir; 2004. p.489.
34. Kapuy K. Social Security and European Convention on Human Rights. *European Journal of Social Security* 2007; 9(3): 221-230.
35. Story H. United Kingdom Social Security Law: European and International Dimensions - Part I. *Journal of Social Security Law (JSSL)* 1994; 5(12): 12-23.
36. Bales K. Disposable People: New Slavery in the Global Economy. California: University of California Press; 1999. p.5.
37. Dintiniano BM. Insurance and social security. Translated by Ali Abadi I. Tehran: Tehran High School and Social Security Research; 2001. p.20.
38. Hohmann JM. The Right to Housing: Law, Concepts, Possibilities. Landon: Hart Publishing.; 2013. p.67-74.
39. Meron T. Human Rights law Making in the United Nations. Oxford: Clarendon Press; 1986. p.12.
40. Klein P. The Parliament of Man: The United Nations and the Quest for World Governmen. London: Penguin; 1990. Vol.9 p.700.
41. Talbot C, Pollock. G. Public Performance-Towards a New Model? *Public Policy and Administration* 2006; 3(14): 15-34.
42. Tailby S. Public service restructuring in the UK: The case of the English National Health Service. *Industrial Relations Journal* 2017; 5(43): 448-468.
43. Boyle SH. Who is covered? Translated by Mohammadi M. Andisheh Economics Newspaper; 2011. No.2543.
44. Micheal F. James, Constraction law. 2nd ed. Landon: Palagrave Publishing; 2002. p.3.
45. Summers D. Longman dictionary of English language and culture. Landon: Longman; 2005.
46. Adams M. A Study on the Human Rights of Student Sports Player and the Guaranteeing of their Rights to Education. *The Journal of Sports and Entertainment Law* 2006; 12(1): 11-36.
47. Markesinis B, O'Conneide C, Fedtke J, Hunter-Henin M. Concerns and Ideas About the Developing English Law of Privac y (and How Knowledge of Foreign Law Might Be of Help). *The Amerjcan Journal of Comparative Law* 2004; 52(4): 133-208.
48. Gharachorlu R. The right to privacy and privacy of individuals as a fundamental human right. *Newsletter of the Attorney's Office of the Judiciary* 2010; 41: 10-21.
49. Moin Abadi RE. Media and privacy of individuals, Methods of protecting privacy in Iranian and German law, Spain, France, Italy, Britain and the United States. *Journal of Research in Communication* 2004-2005; 11(39-40): 265-294. [Persian]
50. Kufer J. Privacy, Autonomy and Self-Concept. *American Philosophical Quarterly* 1987; 24(1): 81-89.
51. Malek M. Comparison of Citizen Rights in the Constitution of the Islamic Republic of Iran and the Citizenship Rights of England. Supervisor by Islami R. Tehran: Master's Degree in Public Law, Azad University of Tehran Center; 2016. [Persian]
52. Westin A. Privacy and freedom. 5th ed. New York: Atheneum; 1968.
53. Peters E. Torture. 2nd ed. California: University of Pennsylvania; 1991. p.79.
54. Citizenship Rights, Approved in 1998 by the United Kingdom.
55. Taghizadeh M. Ansari, EU law. Tehran: Jungle; 2008. p.88-92. [Persian]
56. Iraqi E. The transformation of international labor law. Tehran: Labor and Social Security Institute; 2008. p.57. [Persian]
57. Article work rules in the UK, The site of the International Institute of Rad.
58. Shelter S. Solufan for the housing shortage. *Industrial Relations Journal* 2013; 1-55.
59. James G. Fascism, Anti-Fascism and the Police'. In Nigel Copey and David Renton, British Fascism, the Labour Movement and the State. Basingstoke: Palgrave Macmillan; 2005. p.52-54.
60. Ashfield E. Lincoln Inn Nicholas, sale of good and consumer credit in practice. 5th ed. London: HMSO; p.12-13.